

مقدمه

درآمد*

در فوریه ۱۹۰۴ م / ۱۳۲۱ ق، با حمله ژاپن به پورت آرتور (Port Arthur)، جنگ شدیدی میان روس و ژاپن درگرفت که دست کم تا سپتامبر ۱۹۰۵ ادامه یافت. این جنگ پس از کشته و مجروح شدن هزاران نفر از نیروهای دو طرف، با عقب نشینی نظامیان روس از شرق دور و دست‌یابی ژاپن بر مناطقی مانند: کره، پورت آرتور، شبه جزیره لیاتونگ، جنوب سخالین و واگذاری منچوری به چین، پایان یافت.

مقدمه

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| چو آن صلح را امر انجام شد | بدین شرطها کار اتمام شد |
| نخستین ز ژاپن بود کوریا | که در وی کند کام دل را روا |
| دوم پورت آرتور هم زو بود | که در چین دگر بيمش از دل رود |
| سوم آن جزیره نمائی که هست | لیاتونک نامش بماند به دست |
| چهارم همه خاک منچوریا | به چین واگذارند هر دو کیا |
| هلا پنجمش بد ره آهنین | شود مال ژاپن تا هاربین |
| ششم هم جنوب سخالین تمام | شود ملک ژاپن به حق لا کلام |
| به هفتم ز دامان بحر سبیر | به صید سمک او رود شیر گیر |
| به هشتم جهازات جنگی روس | نیاید به دریای چین پای بوس |

نهم امتیازات منچوریا که دارد ز چین جمله سازد رها
دهم آن که تعیین سر حد کند ز سر حد قدم پیشتر ناورند
بدین شرط هر دو نوشته کتاب نمودند امضا ز راه صواب^۱

این جنگ در زمان وقوع خود، توجه بسیاری را در غرب و شرق عالم به سوی خود جلب کرد. غربی‌ها با ناباوری شاهد ظهور قدرتی جدید در معادلات بین‌الملل، آنهم در سال‌های پایانی سده نوزدهم و آغاز قرن بیستم بودند که از شرق سر برآورده و در مقابل قدرتی چون روسیه ایستاده بود. شرقی‌ها هم با طلوع ستاره ژاپن، تمام آرزوهای فرو خفته خود را در حال بیدار شدن و آمال سرکوب شده اشان را رو به تجلی می‌دیدند. در این میان، نگاه ایرانیان به این جنگ به گونه‌ای دیگر بود. آنان، به عنوان بخشی از مردم آسیا، در احساس مردم مشرق زمین شریک بودند، اما به عنوان مردم ایران، کشوری که چند دهه پیش پاره‌هائی از وطنشان توسط روسیه تزاری به یغما رفته بود، با احساسی بغض‌آلود، به این جنگ می‌نگریستند. مفهوم این جنگ از نظر آنان، این بود که: روسیه تزاری گرفتار همان مصائبی شده است که خود روزی با نامردمی بر ایران تحمیل کرده بود و اینک دست انتقام از آستین سرداران و سربازان ژاپنی بیرون آمده و نیروهای تزار را به هزیمت و زبونی واداشته است.

آگاهی مردم ایران از این جنگ، بیشتر به واسطه جراید فارسی‌زبانی بود که در داخل و یا خارج از ایران منتشر می‌شد. نشریاتی مانند: جبل‌المتین (در بمبئی)، ادب و تربیت (در تهران)، حکمت (در قاهره) و حدید (در تبریز). این جراید که اخبار خود را عمدتاً از خبرگزاری‌ها و یا نشریات خارجی دریافت می‌کردند، مردم ایران و یا فارسی‌زبانان در هند، مصر و عثمانی را در جریان اخبار مربوط به این جنگ قرار می‌دادند. آگاهی از پیشرفت‌های علمی و فنی ژاپن، اخبار جنگ و سرانجام شکست و ادبار روس، منجر به بروز واکنش‌هائی در میان اقشار مختلف، از مردم کوچک و بازار گرفته تا روشنفکران جامعه گردید. روشنفکران بیشتر در نشریات فارسی‌زبان، قلم می‌زدند. ایشان آراء و اندیشه‌های خود را در قالب مقالاتی به جامعه روشنفکری و

روزنامه‌خوان ایران ارائه می‌کردند. در میان این روشنفکران، شاعران پارسی‌گوی نیز حضور داشتند که آنها هم از تأثیر این جنگ بدور نمانده بودند. این شاعران تلاش می‌کردند تا حیرت و شگفتی خود را از پیشرفت‌های علمی ژاپن و نیز شعف خود را از شکست روس به طور جسته و گریخته در سروده‌هایشان نشان دهند. ملک الشعراء بهار، ادیب الممالک فراهانی و ادیب پیشاوری، از برجسته‌ترین شاعرانی بودند که هر کدام به گونه‌ای متفاوت با دیگری، به ظهور ژاپن و جنگ این کشور با روسیه پرداختند. از باب مثال ملک الشعراء بهار، سال‌ها بعد در چکامه‌ای در ضرورت اتحاد ملل آسیا، این چنین از ژاپن یاد کرد:

اتحاد آسیائی شد مدار آسیا
آسیابانا نبایست از این محور گذشت
آسیا جنبش کند وین خواب سنگین بگسلد
تا ز نو باز آید آن آبی کزین معبر گذشت
ای نژاد آسمانی وی نبیره آفتاب
ترک رامش کن که جور مغرب از حد در گذشت
شد اروپا دایه و مام تو را پستان برید
بایدت زین دایه مشفق تر از مادر گذشت
ای اروپا آسیا را نوبت دیگر رسید
و آسیابان را ز بیدادت به دل خنجر گذشت...
لشگر ژاپون گذشت اکنون ز منچوری به چین

تا بگردانی کلاه از برم و چالندر گذشت^۲
ادیب الممالک فراهانی هم در یکی از سروده‌های خود، پس از مقدمه‌ای طولانی در ضرورت اتحاد و کسب علم، توصیه به پیروی از ژاپن کرد:
حدیث شوکت ژاپون بگوی و میکادو
اگر حدیث کنی این چنین حدیث رواست

سزاست آن که به مردانگی و غیرت و علم
علم شوند که امروزه دستشان بالا است
چه شد که این پس نورسیده مشرق
به شرق و غرب لوایش بلند و دست رساست
چگونه شد که چنین زود گشت صاحب رشد
که این مثابه در او قدرت است و استیلا است
چگونه زود چنین قادر و توانا گشت
که از هر آن چه تصور کنیش استغنا است
چگونه به حال چنین ملت نجیب و غیور
که علم و دانش او را کمال استقصا است
پس آن چه کرد وی و این چنین مسلم گشت

به ما است فرض که آن سان کنیم بی کم و کاست^۳
اما ادیب پیشاوری به واسطه آن که در منطقه‌ای خارج از حوزه جغرافیائی ایران
بالیده و رشد کرده بود، نسبت به کسانی مانند بهار و ادیب الممالک فراهانی، از پیشینه
زندگی، حافظه تاریخی و نگاه سیاسی متفاوتی برخوردار بود. زاویه نگاه ادیب
پیشاوری به جهان با نگاه ادیبان ایرانی در دو سوی مخالف قرار داشت و او به گونه‌ای
متفاوت به روابط منطقه‌ای و جهانی می‌نگریست. مثلاً زمانی که بسیاری از اندیشمندان
ایرانی، نظری کاملاً مثبت به ژاپن داشتند و یا برخی از آنها نظری مساعد نسبت به
انگلیس ابراز می‌داشتند، او به طور یک جانبه همه این دولت‌ها را در یک اردوگاه قرار
می‌داد و بر این باور بود که سه قدرت ژاپن، روسیه و انگلیس، برای بلعیدن شرق مصمم
شده‌اند و تضاد آنها فاقد هر گونه اصلاتی است و رقابتشان در واقع برای پیشی جستن بر
دیگری، جهت چپاول منابع شرق است.

هنگام بازگشت گله از چراگهش

آمد دمنده گریگ گرسنه فرا رهش

چوپان سالخورده یکی نورسیده سگ
با گله داشتی چو برون گشتی از دِهش
چون کار گرگ و گله بدین گونه دید، تاخت
زی گرگ خیره، چیره سگ آن شیر درگهش
افتاد گرگ و سگ به هم اندر یشگ و گاز
چوپان کشید یوسف خود از بن چهش
دوشا رمه است هند و شبان انگلیس و سگ
جایان و شاه روس همان گرگ ابلهش
ماه شبان اگر چه بر آمد به روشنی
هم در محاق افتد یک روز آن مهش^۴

در این میان، سراینده‌ای پارسی‌گوی، گمنام و البته مشروطه‌خواه، به نام حسین علی تاجر شیرازی، بر آن شد تا ذوق و قریحه شاعری خود را بکار اندازد و با استفاده از اطلاعاتی که عمدتاً نشریات پارسی زبان در اختیارش می‌گذاشتند، جنگ ژاپن و روس را با زبان شعر و در قالب حماسه بیان نماید. او چنین کرد و با سرودن منظومه‌ای مستقل، نه تنها به مقصود خود نائل آمد، بلکه در لابلای این اثر، به عنوان یک ایرانی (که البته می‌توانست نماینده فکری بخشی از روشنفکران ایرانی نیز باشد)، کینه و بغض تاریخی خود را نسبت به روس و تعرضات و تجاوزات این کشور به سرزمین اجدادی‌اش نشان داد.

حسین علی تاجر شیرازی

درباره شیرازی اطلاعات بسیار اندکی وجود دارد. درباره او همین اندازه دانسته است که نام پدرش، عبدالحسین تاجر شیرازی بود.^۵ او در شیراز متولد شده بود ولی هنگام سرودن میکادونامه در خراسان اقامت داشت.
به غربت درافتاده و بی‌کسم ز گم نامی از چشم مردم پسم

اگر چه ز شیرازم هست آب و خاک که باشد مرا فخر از آن خاک پاک
 ولی در خراسان کنون خسته‌ام به زنجیر غم پای دل بسته‌ام^۶
 وی در سال ۱۳۲۳ ق. به خواهش یکی از دوستانش سرودن میکادونامه را شروع
 کرد و پس از دو ماه آن را به پایان برد.
 ولی داد فرمان چه یک سرورم که تاریخ این جنگ نظم آورم
 نبودم ز فرمان او چون گزیر سرودم من این نامه دلپذیر...
 به ماهی دو شد گفته این دو هزار که آید به گاه شمردن شمار^۷
 به درستی روشن نیست که شیرازی، هنگام جنگ روس و ژاپن در کجا بوده است
 ولی سه دلیل زیر، این گمان را ایجاد کرده که وی در آن هنگام محتملاً در هند اقامت
 داشته است:

۱. اشاره خودش به این موضوع که «در مسافرت به اکناف ایران الی حدود
 هندوستان صرف سیاحت نموده و بهره [ای] جز بعضی اطلاعات از اوضاع حالیه زمان
 به دست نیاورده. همیشه بدین خیال بودم که زبده مشهودات خود را به هر لباس که باشد
 به زیور نظم درآورده تا به یادگار بماند».^۸
 ۲. آگاهی و اطلاعات او درباره هند، مذاهب آنجا و نیز سلطه انگلیس بر شبه قاره،
 بسیار دقیق و عینی است.

نبینی که در خاک هندوستان ز هر فرقه انبوهی از باستان
 ز بودائی و مسلم وز یهود ز دهری وز گبر و قوم هنود
 دو صد سال باشد که شد انگلیس به هندوستان با تمامی جلیس
 همه قوم را دانش آموخت او همه پارگی هایشان دوخت او
 ز وحشی گریشان برون برد او به شهر تمدن درون برد او
 بسی تربیت کرد و تعلیم داد به داد و خرد پای دولت نهاد
 در آن ملک خون ریختن ترک کرد همه قوم را صاحب برگ کرد
 بشد کمترین خاک هندوستان به رنگ و صفا تالی بوستان

کسش ندهد امروز فرق از فرنگ
 همه مردمش صاحب علم و هوش
 به هر صنعتی دست برده فراز
 به هر صوبه و بندر و شارسان
 ز هر کارخانه ز هر دستگاه
 ز انکلتره هند شد اینچنین

تفاوت فقط هست در آب و رنگ
 تمامی هنرمند و دانش فروش
 ز ملک اروپ آمده بی نیاز
 خط راه آهن چنو کهکشان
 فراوان به هرجا کشید است راه
 که تالی ندارد به مشرق زمین^۹

۳. اطلاعات او درباره جنگ بسیار دقیق است. در میان نشریات فارسی زبان، تنها روزنامه حبل المتین چاپ کلکته از این دقت عمل در درج خبر برخوردار بود. بدین سبب، این اطلاعات می توانسته از روزنامه حبل المتین بوده باشد.^{۱۰} هر چند خود وی اشارات جسته و گریخته‌ای درباره مآخذش دارد. از جمله:

کنون بشنو این تازه تر داستان
 ز اخبار روتر شنیدم چنین
 پشیمان شد از آن چه لاف و گزاف
 مورخ چنین گوید این جنگ سخت

که دارم من این گفته از راستان^{۱۱}
 که چون شد به شاهو کروپاتکین
 که خود کرد هنگام رو در مصاف^{۱۲}
 ز استرلتیز و اتربو گذشت^{۱۳}

به هر تقدیر، شیرازی، نام منظومه خود را از القاب امپراطور ژاپن برگرفت و نام آن را میکادونامه گذارد.

میکادونامه

این منظومه در بیش از دو هزار بیت سروده شده است. موضوع اصلی آن، جنگ ژاپن و روس در سال های ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ است. این کتاب دارای بیست و شش قسمت است که از نظر موضوعی به سه بخش زیر تقسیم می گردد:

الف: مقدمه (ص ۱- ۲۱)

۱. ستایش باری تعالی

۲. آغاز، داستان شاهان [ایران] باستان

۳. بیان ترقی روس از خردمندی پطر کبیر
۴. شمه‌ای در ترقی ژاپن
۵. جنگ ژاپن و چین
۶. اشغال منچوری و پورت آرتور توسط روس

ب: جنگ ژاپن و روس، شامل جنگ‌های زیر: (ص ۲۴ - ۱۰۵)

۱. منچوری
۲. پورت آرتور
۳. کره
۴. لیایانگ
۵. شاهو
۶. موکدن
۷. تیلنگ
۸. شوشیما

ج : خاتمه (ص ۱۰۵ - ۱۱۱)

منظومه میکادونامه از سه منظر قابل بررسی است: تاریخی، ادبی و اجتماعی.

۱. تاریخی، میکادونامه روایت منظوم یکی از مهمترین حوادث سال‌های آغازین قرن بیستم است. سراینده در این جا به عنوان یک روایتگر تاریخی ظاهر می‌شود که هیچ تعهدی جز ارائه دقیق و صحیح اخبار جنگ در خود نمی‌بیند. بدین علت، اثر وی به لحاظ تاریخی (اگر نگوئیم یکی از منابع معتبر این جنگ به شمار می‌رود)؛ دست کم از مآخذ منحصر به فرد آن، در زبان فارسی است.

۲. ادبی، میکادونامه یک تقلید قرن چهاردهمی از شاهنامه است. این سخن بدین معنی نیست که برای این منظومه به لحاظ ادبی و درج تصاویر حماسی، درجه بالائی از استحکام و اعتبار قائل شویم و آن را هم‌پایه منظومه‌هائی (مانند: گرشاسب‌نامه،

کوش‌نامه، بهمن‌نامه، و در دوره‌های متاخرتر، شهنشه‌نامه) محسوب داریم که به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند، بلکه باید گفت که سرایندهٔ میکادونامه، در نظم داستان‌های خود، به ندرت دست به ایجاد تصاویر بدیع زده است. او در لحظات اوج داستان، تنها به تقلید و تکرار تصاویری مانند اغراق‌های شاعرانه روی آورده است که در منظومه‌های حماسی پیش از وی بارها و بارها تکرار شده بودند. مانند:

| | |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| چو ژاپن ز دریا بدان رود شد | رخ اختر روسیان دود شد |
| هر آنچس قراول بد اندر کنار | گریزان شدی در دل شام تار... |
| ز روسان شد آن روی دریا تهی | به هر گوشه خفتند چون روبهی |
| از آن رود اردوی ژاپون چو سیل | به دامان صحرا بگشتی گسیل |
| همه خیمه و خرگه افراشتند | ذخیره به هر جای انباشتند |
| چو باد آتش از آب بیرون کشید | بدان خاک و آن دشت و هامون کشید |
| ز توپ و ز عرابه‌ها و تفنگ | در آن پهن هامون بشد راه تنگ... |
| گرفتند روسان سر راه را | نمودند تیره رخ ماه را... |
| ز آواز توپ و نهیب تفنگ | همی آب شد زهره گاه نهنگ |
| بسی لشگر از روسیان کشته شد | به هر جا کشته همی پشته شد.... |
| از آن توپ‌های دمان روز و شب | که بودند مصداق ذات لهب |
| همه روی هامون چنو کوه شد | ز بس کشته هر گوشه انبوه شد |
| به میدان نبود اسب را جای تاز | نه اندر هوا تیر را راه باز |
| هوا جمله آتش زمین جمله خون | زمین لاله‌زار و هوا قیرگون |
| گذشت از سوار و ز توپ و تفنگ | به شمشیر و سر نیزه شد کار جنگ |
| در آن پنج روز آن دو لشگر ز قهر | نبود از خور و خوابشان هیچ بهر |
| همه خون دل خوردشان بود و آب | ز تف گلوله جگرها کباب ^{۱۴} |

از نظر فنی، بزرگترین هنر سراینده، استفادهٔ مناسب و درج بهنگام واژگان اروپائی، اعلام نامانوس، و اسامی جغرافیائی شرق دور در این منظومه است. مانند:

ز آذوقه و هم ز آلات کار
سپهدار کل روزیونیسکی شیر
ز دریای بالتیک از راه غرب
ز راه سوئیس او به بحر عدن
چو تازان به دریای هند او رسید
ز پورت آرتور رسید این خبر
هم از فتح موکدن رسیدش خبر
هم از توپ‌ها پر پی کارزار
ابر کشتیان جمله بودی امیر
به یک دور دنیا شدی بهر حرب
همی راند کشتی چو ابر دمن
ز هر جا خبرهای موحش شنید
که بگرفت ژاپن مر آن کوه و بر
پرید عقل و هوشش تمامی ز سر^{۱۵}

۳. اجتماعی، میکادونامه اثری است متعلق به یکی از روشنفکران مشروطه‌خواه ایران که متأثر از اندیشه اجتماعی او، شکل گرفته و سروده شده است. این ویژگی سبب گردیده است که اثر فوق در کنار دیگر آثار اجتماعی روشنفکران ایرانی در سده نوزدهم و بیستم جای گیرد. بدین لحاظ، میکادونامه دارای این ظرفیت و قابلیت است که با کنکاش در لابلاهای اشعار آن، چارچوب فکری سراینده‌اش به عنوان یک روشنفکر (و البته نماینده فکری بخشی از روشنفکران ایرانی) را شناخت. چارچوب فکری شیرازی، به عنوان سراینده میکادونامه را می‌توان از لابلاهای «نگاه او به جهان» قرن نوزدهم و نیز «پایه‌های فکری» او دریافت.

۳ - ۱. نگاه سراینده به جهان، همان طور که در پایان میکادونامه آمده است، مسافرت‌های مکرر سراینده آن به «اطراف و اکناف ایران الی حدود هندوستان»^{۱۶} سبب گردیده بود که نگاه او به محیط اطرافش، نگاهی محدود نباشد و ایران را کشوری مجرد و مجزا از سایر ملل نشمرد و دست کم در روابط بین‌الملل نظری گسترده داشته باشد و حوادث جهانی را در تنگاتنگ با یکدیگر ببیند. بدین لحاظ از نگاه او، جهان به دو قطب غرب و شرق تقسیم می‌شد.

۳ - ۱ - ۱. غرب (فرنگ)، مشتمل بر کشورهای آمریکا (آمریک)، انگلیس و اروپا بود. او هنگام سخن از اروپا، فقط از کشورهای «فرانس، روس و پروس» یاد می‌کرد و به گونه‌ای اروپا را در ذهن خود ترسیم کرده بود که گوئی انگلیس در مجموعه کشورهای این قاره قرار نمی‌گیرد.

اروپائیان در حسد آمدند
رئیس فرانس و خداوند روس
که میکادو آن پادشاه بزرگ
چو دیدی چنو حال خاقان چین
همه پوولتیک اروپا زمین
بر آن شد که با دولت انگلیس
شکاری صفت در صدد آمدند
دگر امپراطور ملک پروس^{۱۷}
کز او شد چنین نام ژاپن سترگ
که شد روزگارش تبه این چنین...
عیان گشت در دم به منچور و چین...
کند عهد و میثاق و گردد جلیس^{۱۸}

در ذهن و اندیشه شیرازی، انگلیس جایگاهی ویژه داشت. این کشور برای وی کعبه
آمال و آرزوهایش بود و برای آن، وجودی فرا قاره‌ای که ابداً در قالب اروپا نمی‌گنجید،
قائل بود. سراینده میکادو نامه انگلیس را مهد علم و خرد بر می‌شمرد و نظام سیاسی آن
را برخوردار از دو صفت «عدل و داد» می‌دانست و پیشرفت دولت آن را نتیجه پیروی
از اصول عدل و داد می‌پنداشت.

اگر او بودی هم چنو انگلیس
نگشتی چنین دولتت پایمال
همش نام ماند از این عدل و داد
چنانچه کنون هم جهان آفرید
به افریق و آمریکا و هم آسیا
اگر دولت روس چون انگلیس
نمی‌شد چنین روزش انجام کار
که بر عدل باشد هماره جلیس
نه بودی دگر دولتت را زوال...
همش ملک گردد به گیتی زیاد
فزاید به مستعمراتش زمین
به هر نقطه خاک دارد لوا...
به عدل و داد آمدستی جلیس
که یک باره گردد تبه روزگار^{۱۹}

او حضور دو بیست ساله انگلیس در هند را، از این منظر که سبب پیشرفت علمی و
اجتماعی این کشور شده است، موجه می‌شمرد.

دو صد سال باشد که شد انگلیس
همه قوم را دانش آموخت او
ز وحشی گریشان برون برد او
بسی تربیت کرد و تعلیم داد
به هندوستان با تمامی جلیس
همه پارگی‌هایشان دوخت او
به شهر تمدن درون برد او
به داد و خرد پای دولت نهاد^{۲۰}
او از لندن، آنچنان سخن می‌گوید که گوئی آن شهر، مدینه فاضله او است

فرستاد در لندن آن شهر طاق
 چه آن جا بود جای صنع و خرد
 به صنعت‌گری دولت انگلیس
 که تالی ندارد به دور وثاق
 که هر کس خرد خواست ز آنجا خرد
 ندارد به گیتی قرین و جلیس^{۲۱}

نگاه شیرازی به مجموعه کشورهای اروپائی که برای او منحصر به «فرانس، روس و پروس» بودند، نگاه مثبتی نبود. او مشکلات شرق را نتیجه «پولتیک اروپا» می‌دانست.

اروپائیان در حسد آمدند
 که این لقمه چرب را جا به جا
 پی مصلحت مجلس آراستند
 رئیس فرانس و خداوند روس
 دو اسبه به میدان سپه تاختند
 به دریا بسی کشتی انداختند^{۲۲}

شیرازی از این مجموعه فقط از روس، آن هم به تفصیل سخن گفته است. نظر او نسبت به روس در واقع همان احساس و کینه تاریخی ملت ایران نسبت به دولت تزاری روس بود. او اضمحلال، ادبار و شکست دولت روس را از آرزوهای دیرینه خود بر می‌شمرد که از جوانی، در انتظار دیدن آن بوده است. او پس از شکست روس، این چنین می‌سراید:

مرا آرزو این بد از عمر خویش
 که دست خدائی برآید ز غیب
 به ما هر چه او خواست بر آن کند
 هر آن ظلم کو کرده بر ما همان
 خدا را اگر صبر بسیار هست
 همانا که چون امپراطور روس
 به مردان جنگی و توپ و تفنگ
 بدان وسعت ملک فرّ و کلاه
 به ژاپون به چشم حقارت بدید
 که بینم چنین روزگاری به پیش
 زند آن که برغیر گیرد به عیب
 همه کار و بارش پریشان کند
 خدایش به دامن نهد ناگهان
 ولی بندگان را پرستار هست....
 ببالید بر خود چو آواز کوس
 به سیم و سلاح و به کشتی جنگ
 نمی‌خواند کس را دگر پادشاه
 نه او را به شاهی چو خود بنگرید

خدا خواست تا عبرت آید به خلق
 به دل آرزوی جوانیم بود
 که مانم و بینم در این روزگار
 مگر بخت ما هم به کام آید
 چو خواب گران رو به بیداری است
 او با نگاهی بسیار مثبت به آمریکا می‌نگریست و آن کشور را ممتاز به صفاتی مانند:
 خرد، دانش و تمدن، می‌دانست،

بد آن با خرد دولت آمریکا
 هماره سخن از خرد آورد
 ز علم و تمدن ز صنع و خرد
 و نظام جمهوری در آمریکا را از ویژگی‌های بارز آن کشور برمی‌شمرد.
 چو آمریکا در وضع جمهور بود
 به دانش همه کارش مشهود بود^{۲۶}
 ۳ - ۱ - ۲. شرق (آسیا)، شیرازی از مجموعه کشورهای آسیائی فقط از هند، ژاپن،
 چین و ایران سخن گفته است. او هند را پیش از ورود انگلیس، کشوری بی‌تمدن
 توصیف می‌کند که انگلیس با حضور خود، آن را به سوی علم و دانش رهنمون شده
 است.

دو صد سال باشد که شد انگلیس
 همه قوم را دانش آموخت او
 ز وحشی‌گریشان برون برد او
 بسی تربیت کرد و تعلیم داد
 به هندوستان با تمامی جلیس
 همه پارگی‌هایشان دوخت او
 به شهر تمدن درون برد او
 به داد و خرد پای دولت نهاد^{۲۷}
 او معتقد بود، زمانی که ژاپن از «خواب غفلت به هوش» آمد و به دانش دست پیدا
 کرد، توانست کشوری مانند روس را شکست دهد. اشاره شیرازی به بیداری ژاپونیان از
 خواب غفلت، به احتمال بسیار اشاره به انقلاب مشروطیت در این کشور در سال ۱۸۹۹
 است.

کجا بود ژاپون در آن چند سال
 به گیتی از او نام و رسمی نبود
 چو از خواب غفلت به هوش آمدی
 ربودند گوی سبِق از فرنگ
 فرنگان به هر لهجه در صلح و کین
 بدین پایه از علمشان مایه شد
 که هیچش کسی می نپرسید حال
 اگر بود و آن هم به طور خمود
 همه صاحب تاب و توش آمدی
 دم آشتی و به هنگام جنگ
 بخوانند بر وی هزار آفرین
 که آن خاک بی پایه پرمایه شد^{۲۸}
 او ایران را کشوری می دانست که گرفتار غفلت شده است و راه عزت آن را رهائی از
 جهل بر می شمرد. تردیدی نیست سخن شیرازی از جهل و غفلت مردم؛ اشاره به اوضاع
 نابسامان ایران در آستانه انقلاب مشروطیت است.

شود روشن این تیره روز وطن
 ز غفلت همه هوششان مرده است
 از این خواب اگر هوشیار آمدند
 ببینند کز درگه کار ساز
 کنون هم چنو روزگار نخست
 نه ما کم ز ژاپون و آن مردمیم
 ز غفلت چنین نام ما شد به ننگ
 به سنگ حوادث همه داده تن
 بدین سان اگر دیرگه بگذرد
 بریزند بر فرق ما خاک و ریگ
 بیایند در خانه بیگانگان
 شویم آلت دست آنها تمام
 که پهلوی به غفلت زده تن به تن
 مگر خواب خرگوششان برده است
 پی نام و ناموس و کار آمدند
 بر ایشان در لطف باز است باز
 توان کرد بشکست‌ها را درست
 چرا در ترازوی عزت کمیم
 که از ننگ داریم سر زیر سنگ
 نجنبیم چون مرده اندر کفن
 یقین رشته عزت ما بگسلد
 بچاپندمان زندگان مرده ریگ
 برند ارزمان جمله همسایگان
 شود مرد و زن مان کنیز و غلام^{۲۹}

۳ - ۲. پایه های فکری سراینده، شیرازی به عنوان یک روشنفکر قرن نوزدهمی
 ایران، نظام فکری اش بر دو پایه «خرد و دانش» استوار شده بود.

بدین خاک و آب و بدین تاب هور
 چرا از تمدن فتادیم دور

فرنگان چرا پیش افتاده‌اند
 به علم و خرد گوی سبقت زنند
 ز جهل این چنین ما پس افتاده‌ایم
 نخستین ببايد سوی علم تاخت
 برون باید آمد ازین کهنه دلچ
 نهان تا به کی رو ز مردم کنیم
 که آخر شویم از تنیدن هلاک
 دگرها در آیند در کار ما
 همان به که بی پرده چون آفتاب
 ز هر نقطه علمی بدست آوریم
 به همسایگان همسری‌ها کنیم
 وگرنه بگيرندمان مرز و بوم
 اندیشه سیاسی او مبتنی دو اصل «عدالت و آبادانی» بود، چنان که بقای یک دولت
 را مشروط به رعایت این دو اصل می‌پنداشت.

که ملک خود آباد سازد فزون
 همه جامه کهنه را نو کند
 به هر دشت شهری عمارت کند
 چو این گونه اش ملک آباد شد
 دگر دولت او بپاید دوام
 او در عین حال که نظام جمهوری را به عنوان یک نظام ایده آل می‌ستود
 چو آمریکا در وضع جمهور بود به دانش همه کارش مشهور بود^{۳۲}
 ولی غایت آمالش، یک نظام مبتنی بر اصول مشروطه بود. او در ستایش از نظام
 مشروطه تا آن جا پیش می‌رفت که اقتدار و عظمت ژاپن و انگلیس را مدیون استقرار
 نظام مشروطه و نظام پارلمانی در این دو کشور بر می‌شمرد.

نبی را چو باشد به شورای کار
دگر نیست شه را از آن ننگ و عار
هر آن شه که شوری پسند آمدش
ورا سلطنت بی‌گزند آمدش
چو مشروطه شد پایه سلطنت
فزونی دهد مایه سلطنت
ز مشروطه گی گشت ژاپون بزرگ
که شد چیره بر همچو خصمی سترگ
زمشروطه گی دولت انگلیس
به هر نقطه خاک باشد جلیس
چنین گشته پاینده اندر عباد
که مشروطه گی شرط عدل است و داد^{۳۳}

در این جا نباید فراموش کرد که این نظریات در آستانه انقلاب مشروطیت در ایران سروده شده است و این سخنان از قالب یک اظهار نظر محض فراتر رفته و در واقع توصیه‌ای به هم‌وطنان خود برای دستیابی به این نظام به شمار می‌رود.

* * *

سرانجام این که حسین علی تاجر شیرازی، با چارچوب فکری مشخصی که از آن یاد شد، در آستانه انقلاب مشروطه دست به سرودن منظومه میکادونامه زد و در آن، نه تنها به حوادث جنگ ژاپن و روس پرداخت که چگونگی نگاه خود را به ایران، منطقه و جهان روشن ساخت.

مآخذ

*. ارجاعات مقدمه، بر اساس صفحات چاپ اول میکادونامه است که شماره آنها در متن کتاب داخل قلاب [] آمده است.

۱. تاجر شیرازی، حسین علی، میکادونامه، ص ۱۰۴.

۲. بهار، محمد تقی، دیوان، به کوشش چهارزاد بهار، تهران، ۱۳۸۰، ۶۴۱/۱.
۳. ادیب الممالک فراهانی، محمدصادق، دیوان، تهران، ۱۳۱۲، ص ۱۰۱.
۴. ادیب پیشاوری، دیوان، به کوشش علی عبدالرسولی، تهران، ۱۳۱۲، ص ۹۴.
۵. تاجر شیرازی، ص ۱۱۱.
۶. همانجا.
۷. همانجا.
۸. همانجا.
۹. همو، ص ۱۰.
۱۰. برای آگاهی از میزان تأثیر روزنامه حبل المتین در آگاهی فارسی زبانان از جنگ ژاپن و روس، نگاه کنید به: رجب زاده، هاشم؛ ژاپن در حبل المتین؛ ایران شناسی، ۸(۱۳۷۵): ۳۲۱-۳۳۸، ۴۹۶-۵۰۸.
۱۱. تاجر شیرازی، ص ۳۹.
۱۲. همو، ص ۵۶.
۱۳. همو، ص ۸۰.
۱۴. همو، ص ۴۲، ۵۳.
۱۵. همو، ص ۹۱.
۱۶. همو، ص ۱۱۱.
۱۷. همو، ص ۱۷.
۱۸. همو، ص ۲۶.
۱۹. همو، ص ۹، ۱۱، ۱۰۷.
۲۰. همو، ص ۱۰.
۲۱. همو، ص ۱۳.
۲۲. همو، ص ۱۷.
۲۳. همو، ص ۳۰-۳۱.
۲۴. همو، ص ۸۲.
۲۵. همو، ص ۸۶.
۲۶. همو، ص ۱۰۱.
۲۷. همو، ص ۱۰.
۲۸. همو، ص ۸۲.
۲۹. همو، ص ۲۵.
۳۰. همو، ص ۱۳.
۳۱. همو، ص ۲۳.
۳۲. همو، ص ۱۰۱.
۳۳. همو، ص ۱۱۰.

تقریظ

میکادونامه رساله است حاوی تمام واقعات جنگ روس و ژاپون در اقصای شرق که مانند سایر جنگ‌نامه‌ها به قالب شعر ریخته شده، روایاتش از روی مأخذ صحیح، و روایاتش به اصول تحقیق و تدقیق. می‌توان گفت در جنگ‌نامه‌هایی که درین دوره به فارسی نوشته شده، بدین اسلوب و صحت و وضاحت کمتر نگاشته آمده است.

میکادو نامه در عوالم شعری و ادبی کمال امتیاز را دارد به اصطلاح عامیان، دریا را در کوزه گنجانده. حتی الامکان از اغراقات شاعرانه ببری، با پیرایه شعر و شاعری از دایره حقیقت نگاری خارج نشده، نصایح دلپذیر و چگونگی محاربات عبرت خیزش، ملل غیور را اسباب جنبش و مایه عبرت است.

میکادو نامه به وضع و شکل بسیار مرغوب از قالب طبع بیرون آمده، در سر هر صفحه، آنچه بحث شده نگاشته. هر عنوان را با کمال سهولت می‌توان یافت.

میکادو نامه دارای پنجاه و هشت تصویر عکس حقیقی محاربات اقصای شرق است با تمثال امپراطور روس و ژاپون و امیرالبحرها و جنرال‌های بزرگ روسی و ژاپونی که الحق در جمع و ترتیب آن‌ها منتهای دقت شده است. همین قدر در تعریف میکادونامه کافی است که در فارسی، کتابی به این اسلوب کمتر طبع شده است. خداوند مؤلف و مصنفش را توفیق کرامت فرماید.

(جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام)